

بررسی تطبیقی روش ابن غضائری، شیخ طوسی و نجاشی در تعامل با راویان غیر امامی

مهدی جلالی^۱

سمانه رباطی^۲

چکیده

مذهب راوی کارکردهای متفاوتی در حوزه حدیث شیعه دارد. یکی از کارکردها در عرصه رجال و راوی شناسی است. رجالیان متأخر شیعه به عنصر مذهب راوی توجه ویژه داشته و راویان غیر امامی را اگر چه ثقه باشند، مورد جرح قرار می دهند. لکن متقدمان این فن - که پسینیان آثار رجالی شان را بر اساس رأی و نظر آنان نگاشته اند - راویان غیر امامی بسیاری را توثیق نموده و حدیث آنان را در زمره احادیث معتبر قرار داده اند.

پژوهش حاضر با رویکردی تطبیقی و با هدف مشخص ساختن وجوه اشتراک و افتراق عملکرد رجالیان متقدم شیعه در تعامل با راویان غیر امامی، به بررسی الفاظ جرح و تعدیل به کار رفته در باره این راویان می پردازد. در ساحت اشتراکات مواردی چون توثیق ذومراتب راویان غیر امامی، جرح حداقلی و عدم تفکیک میان وضعیت گذشته و اکنون شان و در حوزه افتراقات توثیق غیر صریح راویان غیر امامی، توثیق مؤکد و ... آنان شده است. نتایج این جستار حاکی از آن است که عملکرد متمایز هر رجالی ناشی از تفاوت روش و هدف شان از نگارش کتاب هایشان بوده است. لکن حتی عملکرد متفاوت آنان گویای این امر است که ابن غضائری، شیخ طوسی و نجاشی وابستگی به فرق شیعه و اهل سنت را دلیلی برای تضعیف راوی به حساب نمی آورند، بلکه صداقت و ضبط راوی، دو مؤلفه تأثیرگذار بر قضاوت آنان در باره راویان است.

کلید واژه: راویان غیر امامی، ابن غضائری، شیخ طوسی، نجاشی، جرح و تعدیل.

۱. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (a.jalaly@um.ac.ir)

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد (srobati1365@gmail.com).

۱. بیان مسئله

وجود روایان غیر امامی^۳ در میان روایان امامی حدیث شیعه و تفاوت شیوه تعامل با آنان در میان رجالیان متقدم و متأخر حدیث شیعه، امری است که ضرورت بررسی تطبیقی شیوه برخورد با چنین روایانی را در منظومه رجالی رجالیان متقدم شیعه به جهت نزدیک بودن به عصر روایان گریزناپذیر می‌نماید.

گزیدن روایان غیر امامی و بررسی نقش مذهب در جرح و تعدیل آنان از میان دیگر عناصر تأثیرگذار در توثیق و تضعیف روایان ناشی از تأثیرگذاری و برجسته‌سازی این مؤلفه در ارزیابی اخبار و روایان نزد رجال شناسان متأخر است؛ چه آن که مهم‌ترین ملاک نزد متأخران برای تقسیم اخبار روایان به انواع اربعه، توجه به مذهب اشخاص و امامی بودن یا نبودنشان است؛^۴ امر خطیری که سبب جا به جایی در معیارهای رد و قبول اخبار، دست کم در بعضی انواع حدیث شده است؛ به وجهی که امروزه هم، در محافل شیعه خبر راوی توثیق نشده امامی (حسن) به حدیث راوی توثیق شده امامی (صحیح) ملحق و معتبر تلقی می‌گردد و حدیث راوی توثیق شده غیر امامی (موثق) به حدیث راوی مجروح (ضعیف) ملحق و نامعتبر انگاشته می‌شود. حال آن که در دوره متقدمان قضیه برعکس بوده؛ به طوری که از یک سو حدیث روایان غیر امامی موثق (حدیث موثق در اصطلاح متأخران) نزد آنان مطلوب و همان بوده است که در اصطلاح متأخران صحیح نامیده می‌شود. از سوی دیگر، حدیث روایان توثیق نشده، و لو امامی مذهب ممدوح، نزد آنان واجد حسنی نبوده است.

سیره مستمر عقلا و شیوه قدما در طول تاریخ بر این بوده است که گزارش گزارش‌گر موثق را می‌پذیرفتند؛ بدون توجه به عقیده و مذهب وی، بلکه ملاک پذیرش گفته‌هایش را اجتناب او از دروغ قرار می‌دادند. بر همین مبنا فقهیان و عالمان دین در مباحثی همچون لغت،

۳. مقصود روایان اهل سنت و فرق شیعی (همه فرقه‌های شیعه که در کتب رجالی متقدم از آنان یاد شده است به جز شیعه اثنی عشری).

۴. در نظر عالمان متأخر شیعه، حدیثی صحیح به شمار می‌آید که با سندی متصل توسط روایان عادل و امامی از نظایر خودشان در تمامی طبقات روایت شده باشد و حدیث حسن، خبر متصلی است که تمامی سلسله سند امامی مذهب و ممدوح باشند و موثق خبری است که نسبت به کلیه افراد سلسله سند در کتب رجال شیعه تصریح به وثاقت شده باشد، اگر چه بعضی از افراد زنجیره حدیث غیر امامی باشند. چنان که در تعاریف احادیث صحیح حسن و موثق دقت شود ملاحظه می‌گردد، عنصر مذهب به عنوان یکی از مقسم‌های اصلی تنویع و تربیع حدیث مطرح شده است.

تفسیر، صرف و نحوه گفته‌های متخصصان آن فن اعتماد کرده‌اند؛ حتی اگر مذهب صحیحی نداشته باشند. در مقوله حدیث و روایت نیز طبق همین مبنا عمل شده است؛ چرا که اصل در حدیث، اطمینان به صدور آن از جانب معصوم است.^۵ بررسی وثاقت راوی یکی از راه‌های اطمینان به صدور حدیث از جانب معصوم است و با توجه به آن که هر مسئولیتی شرایط خاص خود را می‌طلبد، مهم‌ترین ویژگی راوی حدیث نیز که وظیفه انتقال سخنان معصومان علیهم‌السلام را برعهده دارد، صداقت و راست‌گویی و ضابط بودن او است. بررسی مذهب راوی در درجه دوم، آن هم از حیث جواز یا عدم جواز دروغ‌گویی در مذهبش قرار می‌گیرد.^۶

با توجه به آن که ملاک اصلی در خصوص قضاوت‌های رجالی در باره راویان، آرا و نظرات رجالیان متقدم شیعه است - که صاحب‌نظران اصلی این فن به شمار می‌روند و داوری‌های رجالی‌شان در اعتبار یا عدم اعتبار احادیث راویان موثر و دخیل است - پژوهش پیش رو به بررسی تطبیقی شیوه تعامل صاحب‌نظران رجالی متقدم شیعه، یعنی ابن‌غضائری، شیخ طوسی و نجاشی با راویان اهل سنت و فرق شیعی می‌پردازد تا از رهگذر آشکار شدن نظر رجالیان متقدم شیعه نسبت به مدخلیت یا عدم مدخلیت مذهب راویان در توثیق و تضعیف‌اتشان، نظریه متأخران در باب ضرورت اشتراط مذهب راوی در اعتبار روایات به چالش کشیده شود؛ زیرا اولاً، رجال‌شناسان متأخر آثار رجالی خود را بر پایه آثار متقدمان پی‌ریزی نموده‌اند و متقدمان عنصر مذهب را ارزیابی‌هایی رجالی خود لحاظ نکرده‌اند. ثانیاً، این تقسیم‌بندی سبب بیشتر شدن فاصله‌های مذهبی و کنار گذاشتن بخش قابل توجهی از روایات به دلیل غیر امامی بودن راویان توثیق شده آنها شده است؛ چنان که سبب پذیرش بخش بزرگی از روایات یعنی روایات راویان توثیق نشده امامی مذهب، تحت عنوان حدیث حسن گردیده است. همین امر سبب عدم پایبندی کامل طرفداران تنويع حدیث در آثار فقهی خود به عدم اعتبار حدیث موثق نزد آنان شده است.^۷

این رویکرد متأخران در برجسته کردن نقش عنصر مذهب و کوچک ساختن نقش عنصر وثاقت که در حدیث حسن و حدیث موثق مطابق تعریف خودشان، اتفاق افتاده، امری ذهنی و غیر واقعی است.

۵. دانش رجال، ص ۱۳۹.

۶. تهذیب الاصول، ج ۲، ص ۱۱۶.

۷. رک: «حدیث موثق و اعتبار آن نزد دانشمندان امامی».

۲. نجاشی و تعامل با راویان غیر امامی

رجال النجاشی از سه بخش کلی تشکیل شده است: ^۸ بخش اول شامل مقدمه است، بخش دوم در یادکرد طبقه نخست مؤلفان شیعه است، که شش تن بیشتر نبوده و همگی از اصحاب یا معاصران امام علی علیه السلام به شمار می‌روند. در بخش سوم نام نویسندگان امامی و یا نویسندگان غیر امامی که برای شیعه کتاب نوشته‌اند (صنف لنا) یا روایت از ائمه و اصحاب ایشان دارند (روی عنا) به ترتیب حروف الفبا ذکر شده است.

نجاشی راویان غیر امامی متعددی را در بخش سوم کتاب یاد می‌کند و به اظهار نظر رجالی در باره آنان می‌پردازد. وی برخی از آنان را توثیق و برخی را تضعیف نموده است. تأکید بر وثاقت تعدادی از راویان غیر امامی یا توثیق آنان در عین عناد و تعصب داشتن نسبت به مذهبشان از ویژگی‌های بارز نجاشی در تعامل با راویان غیر امامی است. او در توصیف أحمد بن حسن بن اسماعیل بن شعیب بن میثم تمار، بعد از بیان قول کشی مبنی بر واقفی بودن أحمد بن حسن بن اسماعیل بن شعیب بن میثم تمار و وجود روایاتی از امام رضا علیه السلام در کارنامه حدیثی وی، آشکارا او را تحت هر شرایطی مورد اعتماد و وثوق می‌داند و دستاورد حدیثی او را صحیح و عاری از عیب و نقص قلمداد می‌کند. ^۹ تأکید او بر موثق بودن راوی در هر صورت، چه واقفی باشد چه نباشد، نشان از داوری مستقل نجاشی و عدم دخالت مذهب در این قضاوت دارد.

نجاشی حسن بن محمد بن سماعه را - که از شیوخ واقفه و سخت ستیهنده و متعصب بر مذهبش بوده است - مورد اعتماد و وثوق می‌داند ^{۱۰} تا آشکارا بیان کرده باشد مادامی که راوی ضوابط نقل حدیث را رعایت می‌کند و در جهت یاری دینش روایتی جعل نمی‌کند، حتی دشمنی و سرسختی او در مذهبش، خللی در وثاقتش ایجاد نمی‌کند.

۳. شیخ طوسی و راویان غیر امامی

کتاب الرجال و الفهرست دو اثر شیخ طوسی در رجال و جزء اصول خمسه رجالی شیعه

۸. می‌دانیم که هدف کتاب‌هایی که ما امروز از آنها به عنوان رجالی یاد می‌کنیم و در پنج قرن نخست نگاشته شده‌اند، توثیق و تضعیف راویان نبوده است. کتاب‌هایی همچون الفهرست شیخ طوسی و رجال النجاشی به خاطر حمایت از سابقه علمی شیعه و برای پرشمردن مصنفان این طایفه، و کتاب رجال الطوسی به هدف معرفی اصحاب ائمه علیهم السلام نوشته شده‌اند. ولی به هر صورت، کتاب‌های مذکور خصوصیات یک تألیف رجالی را دارا بوده است و در آنها اطلاعات بسیاری جهت شناسایی حال راویان و جرح و تعدیل آنان وجود دارد.

۹. رجال النجاشی، ص ۷۴.

۱۰. رجال النجاشی، ص ۴۰.

محسوب می‌شود. موضوع الفهرست با توجه به مقدمه شیخ، معرفی افراد شیعه یا غیر شیعه‌ای است که به نفع مذهب تشیع، کتابی تألیف کرده‌اند. شیخ در معرفی راویان و مؤلفان شیعه به ذکر حداقل اطلاعات بسنده کرده است و برخلاف وعده خود در مقدمه، بسیار اندک به جرح و تعدیل پرداخته است. شیخ طوسی با توجه به موقعیت مرجعیت شیعه، شرایط سیاسی - مذهبی بغداد و همچنین حل اختلاف و تعارض میان علمای شیعه، شیوه مصلحتی در پیش گرفته و به عمد از بیان تضعیف بسیاری از راویان خودداری نموده است.^{۱۱} از این رو و برای برآفتاب قرار نگرفتن شیوه‌اش از توثیق موثقان نیز خودداری نموده است.^{۱۲} شیخ الطائفه در کتاب رجال الطوسی به جمع‌آوری و شمارش اصحاب معصومان علیهم‌السلام پرداخته از همین رو کمتر توجهی به جرح و تعدیل کرده است، مگر در مواردی برای رفع شبهه و مانند آن.^{۱۳}

اندیشه رجالی شیخ در باره راویان غیر امامی در *عده الاصول* بهتر نمایان شده است. او پس از بیان دیدگاه خود در شرایط لازم برای راوی (اعتقاد به حق، دوری از کذب و متهم نبودن در روایات) شیوه برخورد با راویان غیر امامی را در چهار دسته بررسی می‌کند: ۱. اهل سنت، ۲. فرق مختلف شیعه مانند فطحیه، واقفه، ۳. غالیان، ۴. متهمان به غلو و تضعیف شدگان.

وی شرایط اعتبار حدیث راویان اهل سنت را این گونه اعلام می‌کند:

در صورتی که در اخبار فرقه محقه خبری موافق یا مخالف آن نبود و دانشیان امامی هم، رأی و نظری در مقابل آن نداشتند، عمل به چنین روایتی واجب است.

در باره چگونگی پذیرش روایات راویان فرقه‌های شیعه، می‌نویسد:

اگر خبری از ثقات امامیه با خبر چنین افرادی مخالف باشد، باید آن را کنار گذاشت و به آنچه راویان معتمد (امامی) نقل کرده‌اند، عمل نمود. اگر روایت ایشان معارضی نداشته، طائفه امامیه هم برخلاف آن عمل نکرده باشند و به امانت داری فرد و دوری او از کذب اطمینان حاصل باشد، عمل به آن واجب

۱۱. مقایسه دیدگاه‌های رجالی نجاشی و شیخ طوسی، ص ۵۴.

۱۲. بررسی و ارزیابی روش شیخ طوسی در نقد رجال و آثار، ص ۱۳۷.

۱۳. همان‌طور که قبلاً بیان شد، هدف تألیف شیخ طوسی نگارش کتاب جرح و تعدیل نبوده و با توجه به مقدمه ایشان در کتاب الفهرست، وی درصدد معرفی مؤلفان شیعه بوده و در کتاب *الرجال* به جمع‌آوری راویان ائمه پرداخته است.

است؛ اگر چه راوی در اصل اعتقاد خطا کار است.^{۱۴}

۳. ابن غضائری و روایان غیر امامی

ثمره کوشش پیگیر احمد بن حسین بن عبیدالله بن ابراهیم بن عبدالله غضائری، رجالی سرشناس و محدث امامی بغداد در قرن چهارم و پنجم هجری، در عرصه دانش عظیم و دامن گستر حدیث، تألیف کتبی ارزشمند در حوزه رجال است. بر اساس سخن شیخ طوسی در مقدمه *الفهرست*، او پیشاهنگ فن فهرست نویسی در شیعه به طور کامل بوده است و دو کتاب، یکی در ذکر «مصنفات» و دیگری در یادکرد «اصول» امامیه نگاشته است.^{۱۵} *الضعفاء والمدمومین والثقات والممدوحین*، از دیگر مؤلفات او است که علامه حلی از آنان در *خلاصه الاقوال* نام برده است.^{۱۶} کتاب های *فهرست اصول* و *مصنفات* و *تاریخ* و *ممدوحین* او تا زمان نجاشی باقی مانده است و نجاشی از آنها بهره برده است.^{۱۷} اما پس از آن، دو کتاب او در *فهرست* و کتاب *تاریخ* همچون دیگر آثار قدما از بین رفت. از این میان فقط کتاب *الضعفاء* او به دست ابن طاووس و علامه حلی و ابن داوود رسید. همچنین شواهدی وجود دارد که کتاب *ممدوحین* او در دسترس علامه حلی و ابن داوود بوده است.^{۱۸} کتاب *الضعفاء* و *المدمومین* او امروزه با نام *رجال ابن غضائری* و به عنوان یکی از اصول پنج گانه رجال شیعه شناخته می شود.

همان گونه که بیان شد، کتاب رجالی موجود از ابن غضائری مربوط به روایان ضعیف است. در این میان، برخی از روایان غیر امامی نیز به چشم می خورد. این سؤال ممکن است به وجود آید که دست یابی به نظریه در باره روایان غیر امامی با توجه به انحصار نظرات وی بر تضعیف آنان، کامل و جامع نخواهد بود، لکن شواهدی جهت وضوح موضع این رجالی در باره ضعف مذهبی روایان و تأثیر آن در داوری های وی وجود دارد. او در شرح حال لیث بن بختری^{۱۹} و هشام بن ابراهیم^{۲۰}

۱۴. *عدة الاصول*، ج ۱، ص ۱۴۹-۱۵۰.

۱۵. *الفهرست*، ص ۳۲.

۱۶. *خلاصه الاقوال*، ص ۲۵۶.

۱۷. برای اطلاع از نمونه ها، رک: *قاموس الرجال*، ج ۱، ص ۴۴۱.

۱۸. *قاموس الرجال*، ج ۱، ص ۴۴۲.

۱۹. *عندی أن الطعن إنما وقع على دینه، لا على حدیثه، و هو عندی ثقة (رجال ابن الغضائری، ص ۱۱۱).*

۲۰. *طعن علیه، و الطعن - عندی - فی مذهبه، لا فی نفسه (همان، ص ۱۱۶).*

بیان می‌کند که طعن و اشکال در مذهب او است نه حدیث وی. از همین رو آنان را ثقه معرفی می‌کند. همچنین در معرفی زیاد بن منذر زیدی، بدون اشاره به ضعف مذهب راوی، به ارائه طریق قابل اعتماد برای روایات او پرداخته است و عدم اعتماد جامعه شیعه به روایات او را ناشی از ضعف مروی عندهای او اعلام می‌کند نه خود وی.^{۲۱} لذا مرز بندی بین عقاید راوی و تخصص او در حوزه حدیث و روایت در اندیشه رجالی ابن غضائری نمایان می‌شود.

۵. وجوه مشترک تعامل شیخ طوسی، ابن غضائری و نجاشی با راویان غیر امامی

۵-۱. توثیق ذو مراتب راویان منتسب به فرقه‌های شیعه و اهل سنت

نجاشی و شیخ طوسی از سطوح مختلف الفاظ توثیق در باره راویان منسوب به فرق شیعی و راویان اهل سنت، استفاده کرده‌اند.

۵-۱-۱. توثیق مطلق

یکی از پربسامدترین الفاظ توثیق که در مورد راویان غیر امامی و اهل سنت به کار رفته است، لفظ «ثقه» است. از نگاه لغویان ریشه «وثق» بیان‌گر عقد و احکام است و «وثقت بفلان» آن گاه استفاده می‌شود که او را مورد اعتماد به شمار آوری.^{۲۲} آنچه از بررسی نحوه کاربرد این واژه نزد رجالیان متقدم به دست می‌آید، آن است که همان معنای لغوی آن، یعنی اعتماد، مد نظر ایشان بوده است.^{۲۳} روشن است که کوچک‌ترین دروغ‌گویی، امکان اعتماد به راوی را سلب می‌کند از همین رو می‌توان گفت حداقل شرط لازم برای ثقه دانستن یک راوی، راست‌گویی او است.

از آنجا که این لفظ گاه مقید به حدیث یا روایت می‌شود، عبارت «توثیق مطلق» را در مواردی به کار بسته‌ایم که این واژه بدون قید به کار رفته است. به عبارت دیگر، راوی هم در حوزه حدیث (= متن) و هم در روایت (= نقل) مورد اطمینان است.

تعداد راویان زیدی، فطحی و واقفی مذهب و اهل سنت که با لفظ «ثقه» توصیف شده‌اند، به ترتیب ۴، ۴، ۸ و ۹ تن است. در ادامه به معرفی برخی از آنان می‌پردازیم.

۲۱. همان، ص ۶۱.

۲۲. معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۸۵؛ الصحاح، ج ۴، ص ۱۵۶۲.

۲۳. سماء المقال، ج ۲، ص ۱۹۵.

زیدیه

نجاشی أحمد بن محمد بن سعید را این گونه معرفی می کند:

این مرد در میان اهل حدیث بزرگ قدر و مشهور به حفظ است و درباه عظمت و حفظ او حکایات مختلف اند. او زیدی جارودی مذهب است و برهمین مذهب درگذشته است. اصحاب ما به سبب مشارکت او در حدیث با آنان و منزلت عظیم و وثاقت و امانتش از وی نام برده اند.^{۲۴}

در این عبارت نجاشی به وضوح بیان کرده است که ملاک پذیرش راوی و روایات او نزد قدما، وثاقت و امانتداری وی بوده است.

شیخ طوسی در الفهرست و الرجال به توثیق ابن عقده پرداخته است. در الفهرست این گونه نوشته است:

چنان در وثاقت و جلالت و حفظ مشهور است که لازم به ذکر نیست. او زیدی جارودی است و برهمین مذهب از دنیا رفته است. به دلیل کثرت روایات و تصنیفاتش برای اصحاب ما، او را در زمره اصحاب امامیه ذکر کردیم.^{۲۵}

و در کتاب الرجال این گونه از او یاد می کند:

ابوالعباس بزرگ قدر و عظیم الشان است، مؤلفات زیادی دارد، او زیدی جارودی است، تمام کتاب های اصحاب ما را روایت کرده و اصول حدیثی آنان را ذکر کرده، او از حافظان حدیث بوده است.^{۲۶}

از تعبیر مورد استفاده رجالیان ما آشکار می شود که تعاملات در فضای باز علمی و بدون تعصب و رزی نسبت به مذهب راوی، و با ملاک قرار دادن تخصص وی در امر حدیث صورت می پذیرفته است.

عامر بن کثیر السراج،^{۲۷} عباده بن زیاد الأسدی^{۲۸} و یحیی بن سالم الفراء^{۲۹} از دیگر راویان زیدی مذهب هستند که نجاشی به وثاقت مطلق آنان اشاره کرده است.

۲۴. رجال النجاشی، ص ۹۴.

۲۵. الفهرست، ص ۶۸.

۲۶. الرجال الطوسی، ص ۴۰۹.

۲۷. رجال النجاشی، ص ۲۹۴.

۲۸. همان، ص ۳۰۴.

۲۹. همان، ص ۴۴۴.

فطحیه

إسحاق بن عمار ساباطی،^{۳۰} حسن بن علی بن فَصَّال،^{۳۱} علی بن حسن بن علی بن فَصَّال^{۳۲} و عبدالله بن بکیر^{۳۳} راویان فطحی مذهبی هستند که شیخ طوسی و یا نجاشی وثاقت آنان را گزارش کرده‌اند.

واقفه

هشت تن از راویان واقفه به گزارش نجاشی و یا شیخ طوسی به طور مطلق ثقه معرفی شده‌اند: إدريس بن فضل بن سلیمان خولانی، أبو محمد، زرعه بن محمد حضرمی، أبو علی جریری، وَهَّيب بن حَفْص، حُمَيد بن زياد بن حمَّاد، إبراهيم بن أبي بكر بن أبي سَمال، عبد الله بن جَبَلَه بن حَيان، إبراهيم بن عبد الحميد أسدي و حَتَّان بن سَدِير.^{۳۴}

۵-۱-۲. توثیق مقید

شیخ طوسی و نجاشی در مورد برخی راویان غیرامامی به وثاقت آنان در یک جنبه خاص حدیثی اشاره می‌کنند. عبارت «ثقه فی الحدیث» وثاقت در حدیث و استواری متن روایت شده را می‌رساند و عبارت «ثقه فی الروایه» وثاقت راوی در روایت و نقل حدیث را مد نظر دارد. به عبارت دیگر، تعبیر اول ناظر به حسن ضبط راوی و دیگری مربوط به صفت عدالت راوی است.^{۳۵} تفکیک وثاقت راوی در نقل حدیث (ثقه فی الروایه) و استواری متن آن (ثقه فی الحدیث) از ضعف مذهبی راوی بیان‌گر آن است که فرآیند شنیدن و نقل حدیث امری تخصصی است که ضعف مذهبی راوی لطمه‌ای به آن نمی‌زند.

فطحیه

شیخ طوسی و نجاشی در باره أحمد بن حسن بن علی فضال فطحی مذهب، فقط وثاقت در حدیث را گزارش کرده‌اند.^{۳۶}

۳۰. الفهرست، ص ۳۹.

۳۱. رجال الطوسی، ص ۳۵۴؛ الفهرست، ص ۹۷-۹۹.

۳۲. الفهرست، ص ۲۷۲.

۳۳. رجال النجاشی، ص ۲۵۷.

۳۴. رجال النجاشی، ص ۱۰۳، ۱۷۶، ۴۳۱، ۱۳۲، ۲۱ و ۲۱۶؛ الفهرست، ص ۱۷؛ الرجال الطوسی، ص ۳۳۴؛ الفهرست، ص ۱۶۴.

۳۵. الرجال لابن غضائری، ص ۲۳؛ روش ابن غضائری در نقد رجال، ص ۶۱.

۳۶. رجال النجاشی، ص ۸۰.

واقفه

أحمد بن أبي بَشْرٍ سَراج، أحمد بن محمد بن علي بن عمر بن رَبَاحِ القَلاء، علي بن محمد بن علي بن عمر بن رباح بن قيس بن سالم، جعفر بن محمد بن سَماعه، حسين بن أبي سعيد مُكاري و محمد بن عبد الله بن غالب راويان واقفي مذهبي هستند که نجاشي وثاقت آنان را در حديث احراز کرده است.^{۳۷}

۵- ۱- ۳. توثيق راوی با وجود عناد و سرسختی وی بر دینش

دشمنی و سرسختی بر اعتقادات از مواردی است که در مورد برخی راویان واقفی توسط رجالیان، گزارش و برجسته شده است. این دشمنی در باره فِرَقِ دیگر همچون فطحیه و زیدیه گزارش نشده است. نکته قابل ملاحظه آن است که شیخ طوسی و نجاشی به توثیق چنین افرادی اقدام کرده تا آنجا که استدلال و تألیف اثر در جهت نصرت مذهب را، مانع وثاقت راوی ندانسته‌اند.

نجاشی حسن بن محمد بن سماعه را - که از شیوخ واقفه و ستیهنده و متعصب بر مذهبش بوده است - مورد اعتماد و وثوق می‌داند.^{۳۸} این نشان می‌دهد که مادامی که او ضوابط نقل حدیث را رعایت می‌کند و در جهت یاری دینش روایتی جعل نمی‌کند، حتی دشمنی و سرسختی او در مذهبش، خللی در وثاقتش ایجاد نمی‌کند.

علی بن حسن طاطری در گزارش شیخ طوسی، از معاندان و متعصبان بر مذهب واقفه معرفی شده است که در این زمینه دست به قلم شده و تصنیفاتی را رقم زده است. او کتب فقهی خود را از افراد مورد وثوق روایت کرده است.^{۳۹} شیخ به طور ضمنی در *عده الاصول* به وثاقت راوی اذعان کرده است.^{۴۰} نجاشی راوی مزبور را از شیوخ و چهره‌های برجسته واقفه و فقیه معرفی می‌کند که دست‌آورد حدیثی او قابل اطمینان است.^{۴۱} با توجه به سخنان شیخ طوسی و نجاشی در کنار هم، وثاقت طاطری در حدیث احراز می‌شود. از این رو می‌توان گفت که عالمان شیعه با مرزبندی بین عقیده شخص و فعالیت حدیثی وی، با ملاک‌های

۳۷. رجال النجاشی، ص ۷۵؛ الفهرست، ص ۶۵؛ رجال النجاشی، ص ۹۲، ۲۵۹، ۱۱۹، ۳۸ و ۳۴۰.

۳۸. رجال النجاشی، ص ۴۰.

۳۹. الفهرست، ص ۲۷۲. نجاشی او را از فقها و سرشناسان واقفه معرفی می‌کند و بر وثاقت او در حدیث صحه می‌گذارد

(رجال النجاشی، ص ۲۵۴).

۴۰. عده الاصول، ج ۱، ص ۱۵۰.

۴۱. رجال النجاشی، ص ۲۵۴.

علمی به بررسی روایات پرداخته و لواین که عقیده او را در یک مسأله مهم چون امامت قبول نداشته باشند.

استفاده از سطوح مختلف الفاظ توثیق در باره روایان غیر امامی از یک سو بیان گردقت نظر رجالیان ما و از سوی دیگر، حاکی از عدم مدخلیت مذهب در جرح و تعدیل روایان است؛ چه در غیر این صورت باید تمامی آنها به دلیل مدخلیت ضعف مذهبی در وثاقتشان تضعیف می شدند.

۵-۲. جرح حداقلی روایان منتسب به فرقه‌های شیعه و اهل سنت

تضعیف روایان غیر امامی همچون روایان امامی بر اساس موازین علم رجال صورت می‌گیرد که همانا وجود یا عدم وجود شرایطی معین در راوی است. ضعف مذهبی یکی از دلایل ضعف است نه همه آن؛ چه اگر جزاین می‌بود، باید تمام روایان غیر امامی تضعیف می شدند؛ حال آن که چنین نیست. تعداد روایان فطحی و واقفی و اهل سنت تضعیف شده در مقابل ثقات آنان بسیار ناچیز است. از همین رو می‌توان گفت که حداقل آنان تضعیف شده‌اند.

۵-۲-۱. فقدان جرح در کارنامه روایان فطحی مذهب

روایان فطحی مذهب تنها روایانی هستند که هیچ تضعیفی در مورد آنان صورت نگرفته است. ابن غضائری هیچ یک از روایان این فرقه در کتابش نام نبرده است. شیخ طوسی و نجاشی هیچ یک از روایان فطحی مذهب را تضعیف ندانسته‌اند.

۵-۲-۲. جرح حداقلی واقفه

تعداد روایان واقفی در مجموع چهار کتاب مورد بحث ما ۶۱ تن است که از این تعداد پنج نفر تضعیف شده‌اند. از این رو می‌توان گفت حداقل آنان مجروح قلمداد شده‌اند.

ابن غضائری در کتاب الضعفاء خود فقط سه راوی واقفی مذهب را نام می‌برد. چنان که خواهد آمد، فرض ما بر این است که عدم ذکر دیگر روایان واقفی در کتاب وی بیانگر عدم ضعف آنان، نزد او است. پس می‌توان گفت ابن غضائری نیز به جرح حداقلی واقفیان تمایل داشته است که از میان انبوه روایان واقفی مذهب فقط سه تن را ذم و قدح کرده است.

نجاشی دو راوی از ۲۶ راوی واقفی که نام برده تضعیف کرده است. حداقل بودن تضعیفات در مقابل توثیق ۶۹ درصدی آنان، واضح است. او هیچ یک از سران واقفه را با وجود روایات متعدد در مذمت آنان، تضعیف نکرده است. احتمالاً به این دلیل که دلالت

آنها را ناظر به تضعیف رجالی آنان نمی دانسته است.

شیخ طوسی هیچ یک از ۶۷ راوی واقفی^{۴۲} را که در آثار رجالی اش نام برده است، تضعیف نکرده است؛ لکن در مواردی با استفاده از لفظ «خبیث»، خبائث و پلیدی عقیده راوی، یعنی توقف بر امامت امام کاظم علیه السلام به عنوان آخرین امام را آشکار کرده است.^{۴۳} وی در کتاب الغیبه نیز روایاتی در مذمت سران واقفه نقل کرده است که بیشتر آنها در باره ضعف اعتقادی آنان در حوزه امامت بوده است، نه حدیث و روایت.

راویان واقفه به دلایلی از جمله کذب و ضعف در حدیث تضعیف شده اند.

۵- ۲- ۱. راویان واقفه موصوف به کذب

۱. حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی

ابن غضائری حسن بن علی بن ابی حمزه را فارغ از جنبه حدیثی، دارای شخصیتی ضعیف معرفی می کند.^{۴۴} نجاشی نیز با بیان سرزنش و عیب جویی حسن بن علی بن فضال در باره راوی، از قول کشی و عدم اعتراض به آن، به طور ضمنی موافقت خود را اعلام می کند و او را مطعون و مورد سرزنش می داند.^{۴۵} کشی از قول علی بن حسن فضال، علی بن ابی حمزه بطائنی و پسرش، حسن بن علی بن ابی حمزه، را کذاب معرفی کرده است.^{۴۶} تنها راوی واقفی که کشی به صراحت کذب او را اعلام کرده است، حسن بن علی بن ابی حمزه است.^{۴۷}

در باره کذب علی بن ابی حمزه، با توجه به آن که فقط توسط علی بن حسن فضال فطحی مذهب مطرح شده است، دو احتمال وجود دارد: اول، آن که علی بن حسن فضال از روی تعصب به مذهب خویش و برای آن که مردم با پیروی از بطائنی گمراه نشوند، چنین مطلبی را گفته است. دوم، آن که احتمال دارد روایتی را که ابن فضال در باره علی بن ابی حمزه نقل کرده، در باره پسرش باشد؛ زیرا اولاً روایتی از ابن فضال با همین مضمون در باره پسرش نیز نقل شده است، ثانیاً احتمال کذب در حسن بن علی بن ابی حمزه بیشتر است؛

۴۲. ۶۳. نفر در الرجال و چهار نفر در الفهرست.

۴۳. رجال الطوسی، ص ۳۶۶.

۴۴. رجال ابن الغضائری، ص ۵۱.

۴۵. رجال النجاشی، ص ۳۶. شیخ طوسی به مذهب و وزن رجالی راوی اشاره نکرده است (الفهرست، ص ۱۲۹).

۴۶. اختیار معرفة الرجال، ص ۴۰۳؛ ص ۴۰۴، ۵۵۲.

۴۷. همان، ص ۴۴۳.

زیرا او معاصر امام هادی و عسکری علیهما السلام بوده است و پدرش معاصر امام رضا علیه السلام لذا امکان نقل کامل کتاب تفسیر القرآن را از پدرش نداشته است.^{۴۸}

لذا احتمال کذب در حسن بن علی بن ابی حمزه، قوی تر است و کشی با قاطعیت به کذاب بودن او اشاره کرده است.

۲-۲-۵. راویان واقفه موصوف به ضعف مطلق

ابن غضایری حسین بن مهران واقفی مذهب را به طور مطلق ضعیف دانسته است.^{۴۹} نجاشی در باره این راوی واقفی اظهار نظر رجالی نکرده است.^{۵۰} امام رضا علیه السلام ابن مهران و چند تن از دیگر سران واقفه را از تکذیب کنندگان پدران و اجدادشان معرفی می کنند.^{۵۱} راوی مزبور علاوه بر ضعف مذهبی، ضعف دیگری در حوزه حدیث و روایت داشته است که ابن غضایری به جرح او روی آورده؛ چرا که او سایر راویان واقفی مذهب را - که همگی در ضعف مذهبی مشترک هستند - جزو ضعفا در کتاب خود ذکر نکرده است. افزون بر این، یکی از حدیث پژوهان معاصر در باره روش ابن غضایری در الضعفاء گفته است، هر گاه وصف ضعیف به طور مطلق در مورد راوی به کار رود، نشان از ضعف همه جانبه او در مذهب، نقل حدیث و ضعف در متن روایت شده دارد.^{۵۲}

۲-۲-۵. راویان واقفه موصوف به ضعف در حوزه حدیث

نجاشی در باره زکریا بن محمد می نویسد:

او راوی امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام است، از او مواردی حکایت شده که نشان از واقفی بودن وی دارد.^{۵۳}

زکریا بن محمد «مختلط الامر فی حدیثه»^{۵۴} است؛ به این معنا که بین مطالب

۴۸. «روایت علی بن ابی حمزه بین رد و قبول»، ص ۱۲۲؛ مشایخ ثقات، الحلقة الثانية، ص ۳۲.

۴۹. الرجال لابن الغضائری، ص ۵۱.

۵۰. رجال النجاشی، ص ۵۶.

۵۱. اختیار معرفة الرجال، ص ۴۰۵.

۵۲. مقدمه الرجال لابن غضائری، ص ۲۳.

۵۳. دوستی او با علی بن عمر واقفی مذهب و روایت جمعی از واقفه مانند ابن ابی سئال و ابن ابی حمزه و ابن سماعة و حمید از زکریا المومن، مؤیداتی بر قول نجاشی مبنی بر وقف او است (قاموس الرجال، ج ۴، ص ۴۷۶).

۵۴. اصطلاح مخلط می تواند ناظر به عقیده شخص باشد؛ به این معنا که بین اعتقادات صحیح و ناصحیح تلفیق می کند، و هم می تواند ناظر به اثر تالیف شده توسط چنین شخصی باشد؛ به معنای این که او روایات منکر و غیر آن یا اسانید صحیح و ناصحیح یا مطالب درست و نادرست را مخلوط می کند (سماء المقال، ج ۲، ص ۲۸۵-۲۸۹)؛

صحیح و ناصحیح خلط می کند، او کتابی دارد که احادیث دیگران را در آن به خود نسبت داده است.^{۵۵} بدین سان نجاشی کتاب او را یک نوع سرقت علمی^{۵۶} محسوب می دارد. به عبارت دیگر، کتاب او شامل روایاتی است که او خود را راوی آنها قلمداد کرده است؛ در حالی که چنین نیست و دیگران راوی آنها بوده اند. از این رو، می توان گفت نقطه ضعف اصلی راوی سرقت علمی او و عدم امانتداری وی در نقل حدیث است.

علی بن عمر الأعرج از دیگر روایان واقفی است که متن روایت شده توسط او استواری ندارد و ضعیف قلمداد می شود.^{۵۷} آشکار است که نجاشی علی بن عمر را از لحاظ علمی فاقد ویژگی های لازم برای نقل حدیث می داند و بیشترین ضعف را متوجه ضعف حدیثی او کرده؛ چرا که او در ضعف مذهبی همسان دیگر روایان واقفی بوده است.

۵- ۲- ۳. جرح حد اقلی اهل سنت

تعداد روایان عامی در چهار کتاب مورد بحث ۳۳ تن است که از این میان یک نفر تضعیف شده است. تعداد ضعفاى اهل سنت (یک نفر) در مقابل ثقات آنان (دوازده تن)^{۵۸} اندک است و تعبیر جرح حد اقلی در مورد این گروه نیز صدق می کند.^{۵۹} أبوالبختری، وهب بن وهب، ابن غضایری، نجاشی و شیخ طوسی همگی به ضعف او حکم کرده اند. آنان دلیل ضعف او را کذاب بودنش دانسته اند. ابن غضایری در باره او نوشته است:

عامی مذهب و بسیار دروغ گو و کل مرویات او غیر موثق و غیر قابل اطمینان است.^{۶۰}

مکتب در فرآیند تکامل، ص ۶۴).

۵۵. رجال النجاشی، ص ۱۷۲. ابن غضایری از او نام نبرده است. شیخ طوسی بدون اشاره به مذهب به ذکر آثار او بسنده کرده است (الفهرست، ص ۲۰۶).

۵۶. انتحل در لغت به معنای نسبت دادن به خود است: اُنْتَحَلَ فُلَانٌ شِعْرَ فُلَانٍ، در مواقعی به کار می رود که شاعر ادعا می کند شعراى آن او است، اما در واقع از دیگران است (العین، ج ۳، ص ۲۳۰؛ المحيط فی اللغة، ج ۳، ص ۱۰۳؛ معجم المقاییس اللغة، ج ۵، ص ۴۰۳؛ لسان العرب، ج ۱۱، ص ۶۵۰).

۵۷. رجال النجاشی، ص ۲۵۶. شیخ به مذهب و وزن رجالی او اشاره ای نکرده است (الفهرست، ص ۲۷۹).
۵۸. چنان که پیش از این گذشت، نه نفر از اهل سنت با لفظ ثقه معرفی شده اند و مابقی آثارشان مورد مدح و تمجید قرار گرفته است.

۵۹. در باره بیست نفر از اهل سنت هیچ اظهار نظر رجالی از صاحب نظران رجالی شیعه، وجود ندارد.

۶۰. الرجال لابن الغضائری، ص ۱۰۰.

شیخ طوسی نیز هم سوبا ابن غضایری او را عامی مذهب دانسته و وی را با لفظ «ضعیف»، تضعیف کرده است.^{۶۱} شیخ در التهذیب والاستبصار نیز ضعف او را متذکر می‌شود.^{۶۲} نجاشی او را راوی امام صادق علیه السلام و بسیار دروغ‌گو معرفی می‌کند؛ بدون آن که سخنی از مذهب او به میان بیاورد.^{۶۳} به نظر می‌رسد سکوت نجاشی نسبت به مذهب او با توجه به اختلافی نبودن آن، از سویی بیان‌گر این نکته باشد که ملاک اصلی نجاشی در جرح و تعدیل راویان صداقت است؛ نه مذهب راوی. لذا وهب بن وهب عامی مذهب را که فاقد مؤلفه صداقت است، بدون اشاره به مذهبش، تضعیف می‌کند و از سوی دیگر، به دلیل شهرت وی به عامی بودن باشد. روایات منقول در رجال الکشی نیز مؤید کذب ابوالبختری است. شخصی در محضر امام رضا علیه السلام از ابوالبختری، وهب بن وهب عامی مذهب و روایت او از امام صادق علیه السلام صحبت می‌کند، امام می‌فرماید:

به درستی که ابوالبختری بر خدا و رسولش و ملائکه دروغ بسته است.^{۶۴}

رجالیان اهل سنت نیز علت اصلی تضعیف راوی مزبور را، دروغ‌گویی او اعلام کرده‌اند.^{۶۵}

۵- ۲- ۳- ۱. سیر صعودی شمار ضعفا در میان زیدیه

از میان فرقه‌های شیعه و راویان اهل سنت، فرقه زیدیه راویان ضعیف بیشتری نسبت به کل راویان و ثقات آنان دارد.^{۶۶} لذا عنوان جرح حداقلی برای آنان صدق نمی‌کند.

۱. أبو مَعْمَر هَلَالی، سعید بن خَیْثَم

سعید بن خیثم از راویان زیدی مذهب است که نجاشی و ابن غضایری در تضعیف او هم‌داستان هستند. ابن غضایری او را از راویان امام باقر و صادق علیه السلام و به شدت ضعیف و

۶۱. الفهرست، ص ۴۸۷.

۶۲. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، ج ۱، ص ۴۸؛ ج ۴، ص ۸۹؛ تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۱؛ ج ۹، ص ۷۷.

۶۳. رجال النجاشی، ص ۴۳۰؛ عدم اشاره نجاشی به مذهب راوی مزبور این فرضیه را که وجود یک راوی در کتاب نجاشی حاکی از امامی بودن آن راوی (معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۱۰۴) و حداقل عامی نبودن او است را نفی می‌کند (قاموس الرجال، ج ۱، ص ۲۷-۲۹).

۶۴. اختیار معرفه الرجال، ص ۳۰۹-۳۱۰.

۶۵. تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۴۵۹؛ ضعفاء العقیالی، ج ۴، ص ۲۳۴.

۶۶. به ۱۴ نسبت به کل راویان: ۶ به ۵ نسبت به ثقات

غیر قابل اعتنا می‌داند.^{۶۷} نجاشی به صراحت، سعید بن خیثم را زیدی معرفی نمی‌کند. وی این گونه می‌نویسد:

او ضعیف است، سعید و برادرش از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت کرده‌اند و هر دو از دعوت کنندگان به سوی زید بن علی بوده‌اند.

از این رو با توجه به وصف اخیر نجاشی از آن دو، و اشاره مستقیم دیگر رجالیان از جمله ابن غضائری به زیدی بودن او، می‌توان گفت که نجاشی تلویحاً سعید بن خیثم را زیدی معرفی کرده است.^{۶۸}

۲. احمد بن رشید بن حثیم

احمد بن رشید یکی دیگر از راویان زیدی مذهب و ضعیف است. ابن غضائری در باره او می‌نویسد:

حدیث او ضمن احادیث راویان و محدثان شیعه می‌آید، وی ضعیف و فاسد است.^{۶۹}

۳، ۴، ۵ و ۶. کثیر النواء، سالم بن ابی حفصه، زیاد بن منذر و حکم بن عتیبه

۵ - ۳. یکسان انگاری ادوار حیات راویان غیر امامی مذهب از سوی شیخ طوسی، ابن غضائری و نجاشی

نکته مهم در روش شیخ طوسی، ابن غضائری و نجاشی آن است که ایشان میان دو دوره زندگی حدیثی فرد غیر امامی تفکیک قایل نشده‌اند؛ به این معنا که عبارت «فی حال استقامته» که جهت تفکیک حال استقامت و انحراف مذهبی راویان غالی مذهب به کار رفته است، در باره راویان زیدی، فطحی، واقفی و حتی اهل سنت، در لسان هیچ یک از رجال شناسان متقدم شیعه به کار نرفته است و چنین تفکیکی برای آنان در نظر نگرفته‌اند. چنین به نظر می‌رسد که با توجه به آن که دروغ‌گویی در فریق مزبور جایز نبوده،^{۷۰} پس تغییری

۶۷. الرجال لابن الغضائری، ص ۶۴

۶۸. رجال النجاشی، ص ۱۸۰

۶۹. الرجال لابن الغضائری، ص ۳۷. نجاشی و شیخ از او نام نبرده‌اند.

۷۰. همان گونه که قبلاً اشاره شد، راویان دیگر مذاهب و فریق اسلامی مادامی که دروغ‌گویی و جعل حدیث در مذهبشان روا نباشد، ضعف مذهبی شان تأثیری بر جرح و تعدیل آنان نخواهد داشت؛ لکن غالیان از فریق و مذاهبی هستند که افزون بر ضعف در مبانی اعتقادی، در مقام رفتار و عمل قایل به اباحه‌گری نسبی یا مطلق بوده‌اند و از هیچ عمل خلاف ابا نداشته‌اند و جعل حدیث به منظور تحکیم مبانی اعتقادی خود را امری سهل و پیش پا افتاده دانسته‌اند. از این رو به نظر می‌رسد مفهوم غلو با کذب عجین شده باشد و مهم‌ترین مؤلفه در تضعیف غالیان همین جواز، بلکه

در ویژگی صداقت آنان روی نداده است. لذا راوی که وثاقت او قبل از تغییر مذهب به اثبات رسیده، بعد از آن نیز ثقه باقی می ماند.

۶. ویژگی های نجاشی در تعامل با راویان غیر امامی

۶-۱. توثیق موکد

عبارت «ثقه ثقه» از نظر اکثر رجال شناسان بیان گرتأکید هر چه بیشتر بر وثاقت راوی است.^{۷۱} نجاشی این عبارت را در حق برخی از راویان واقفی روا داشته است، در مواردی نیز بیان می کند که راوی تحت هر شرایطی، چه واقفی باشد چه نباشد، وثاقت او نزد وی تغییر نخواهد کرد.

۱. عبد الکریم بن عمرو بن صالح خنعمی ملقب به کزام

نجاشی در وصف عبد الکریم بن عمرو او را اکیداً موثق معرفی می کند.^{۷۲} تأکید او بر وثاقت کزام، گویای عدم مدخلیت مذهب وی در وثاقت او است؛ چه در صورت ارتباط این دو با هم، ضعف مذهبی او باید سبب تضعیف او می شد؛ نه این که عالی ترین درجات تعدیل و توثیق را با تعبیر «ثقه ثقه عیناً» در حق او روا دارد.

۲. أحمد بن حسن بن إسماعیل بن شعیب بن میثم تمار

نجاشی بعد از بیان قول کشی مبنی بر واقفی بودن أحمد بن حسن بن إسماعیل بن شعیب بن میثم تمار و وجود روایاتی از امام رضا علیه السلام در کارنامه حدیثی وی، به صراحت او را تحت هر شرایطی مورد اعتماد و وثوق می داند و دستاورد حدیثی او را صحیح و عاری از عیب و نقص قلمداد می کند.^{۷۳} تأکید او بر موثق بودن راوی در هر صورت، چه واقفی باشد و چه نباشد، نشان از داوری مستقل نجاشی و عدم دخالت مذهب در این قضاوت دارد.

و جوب کذب برخاسته از عقایدشان است. کاربرد مکرر واژه «کذاب» در کلام رجالیان و روایات معصومان علیهم السلام، در باره عُلات و از سوی دیگر تفکیک حال استقامت و غلوشان، اطمینان ما را به درستی این برداشت بیشتر می سازد که مهم ترین عامل ضعف غالبان نزد اکثر رجال شناسان شیعه، کذب آنان در حوزه حدیث است («بررسی نقش مذهب راویان در جرح و تعدیل آنان نزد رجالیان متقدم شیعه»، ص ۱۱۶ - ۱۴۷).

۷۱. الرعايه في علم الدرايه، ص ۲۰۴؛ وصول الاخبار الى اصول الاخبار، ص ۱۹۲؛ مقباس الهدايه، ج ۲، ص ۱۶۰.

۷۲. رجال النجاشي، ص ۱۴۵.

۷۳. همان، ص ۷۴.

۶-۲. توثیق اهل سنت

در میان رجالیان متقدم شیعه، تنها نجاشی است که به صراحت وثاقت نه تن از راویان اهل سنت را اعلام کرده است. أبو حذیفه، إسحاق بن بشر، أصرم بن حوشب البجلی، جعفر بن یحیی بن العلاء، یحیی بن العلاء الرازی، حسین بن علوان کلبی، فضیل بن عیاض، یحیی بن سعید القظان، عباد بن صهیب و عمّار بن حباب عامی مذهبانی هستند که به گزارش نجاشی اصل صداقت در روایتگری را برگرایش های مذهبی خود ترجیح داده اند

۶-۳. داخل ندانستن نقل های وارده در ذم برخی راویان غیر امامی در جرح آنان

یکی از ویژگی های برجسته نجاشی در تعامل با راویان غیر امامی، داخل ندانستن روایات وارده در ذم برخی راویان در قضاوت های رجالی خود است؛ زیرا دلالت روایت را ناظر به شخصیت رجالی راوی ندانسته است؛ چرا که امامان علیهم السلام بسان یک رجالی در صدد جرح یا تعدیل اشخاص در عرصه روایت و حدیث نبوده اند و چه بسا سخن امام بر ضعف اعتقادات و پاره ای اعمال اشخاص دلالت داشته باشد؛ به عنوان نمونه حسین بن اُبی سعید از چهره های واقفه است که نجاشی با عبارت «ثقه فی الحدیث» متن روایت شده توسط او را قابل اعتماد معرفی می کند. کشی اخباری را در نکوهش او ذکر کرده است که نجاشی بدون ذکر اخبار مزبور از کنار آنها عبور می کند و بیان می کند که این روایات جایگاه رجالی ندارد و لعن و نفرین وارده در آنها ناظر به اعتقادات سوء او در باره امامت امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است نه ضعف وی در حدیث و روایت.^{۷۴}

عدم تضعیف صریح علی بن حمزه بطائنی با وجود روایات متعدد در ذم وی از نمونه های دیگر است.^{۷۵}

۷. ویژگی های شیخ طوسی در تعامل با راویان غیر امامی

۷-۱. توثیق یا مدح غیر صریح

شیخ طوسی و نجاشی هدف اصلی خود را از تألیف، معرفی نگاشته های شیعی یا تصنیفات در جهت شیعه اعلام کرده اند و از سوی دیگر، صبغه غالب بر میراث حدیثی شیعه، مکتوب بودن آن است. بنا بر این، کاملاً طبیعی است که متقدمان رجال شیعه در

۷۴. همان، ص ۳۸.

۷۵. همان، ص ۲۴۹.

برخورد با چنین میراثی، افزون بر توجه به اوصاف رجال و راویان، داوری و قضاوت درباره ارزش منابع را نیز مد نظر داشته باشند.^{۷۶} از این رو، می‌توان اعتماد جامعه امامیه به آثار راویان غیر امامی و مدح آنان را نوعی قضاوت مثبت نسبت به صاحبان کتاب تلقی کرد. ارزیابی و مدح آثار راوی، شیوه شیخ طوسی در معرفی برخی راویان اهل سنت است. به عبارت دیگر، شیخ الطائفه در تعامل با راویان عامی مذهب، توثیق صریح را به کار نبرده است.

علی بن محمد مدائنی، حفص بن غیاث قاضی و أبو خَزَج نهدی، طلحه بن زبید راویان عامی مذهبی هستند که شیخ طوسی با تعبیر «له کتب کثیرة حسنة فی السیر»، «له کتاب معتمد» و «آن کتابه معتمد» به مدح آثار آنان و به نوعی خود ایشان پرداخته است.^{۷۷}

۸. ویژگی‌های ابن غضائری در تعامل با راویان غیر امامی

یکی از اصلی‌ترین تفاوت‌های ابن غضائری با نجاشی و شیخ طوسی در تعامل با راویان غیر امامی آن است که هیچ توثیقی صریحی از راویان فریق شیعی و اهل سنت از وی مشاهده نمی‌کنیم؛ امری که ناشی از نوع کتاب او است. کتاب موجود از ابن غضائری، کتاب الضعفاء او است. لذا به دست آوردن موضع ابن غضائری درباره چنین راویانی با کمی منابع رو به رو است؛ لکن قرآینی بر عدم ضعف آنان نزد ابن غضائری دلالت می‌نماید.

محقق کتاب الضعفاء، در مقدمه کتاب به این امر تصریح کرده است که ابن غضائری قایل به اصل «اصالت وثاقت در مؤمن» است. لذا می‌توان گفت راویانی که ابن غضائری در این کتاب متعرض طعن آنان نشده است، اگر امامی بودنشان به اثبات برسد، نزد او ثقه هستند.^{۷۸} به نظر می‌رسد با توجه به عبارت ابن غضائری در شرح حال لیث بن بختری^{۷۹} و هشام بن ابراهیم^{۸۰} مبنی بر عدم ارتباط بین ضعف مذهبی راوی و وثاقت او در حدیث، امکان تعمیم و تغییر فرضیه محقق محترم وجود داشته باشد؛ به این معنا که احتمال دارد راویان منتسب به فریق شیعی، غیر از امامیه، که در این کتاب از آنان یاد نشده است و

۷۶. «ملاک‌های قدما در ارزیابی و نقد حدیث حدیث در آئینه فهرست‌های رجالی»، ص ۱۳۸.

۷۷. الفهرست، ص ۲۷۸، ۱۵۸ و ۲۵۶.

۷۸. مقدمه الرجال لابن الغضائری، ص ۲۶-۲۸.

۷۹. الرجال لابن الغضائری، ص ۱۱۱.

۸۰. همان، ص ۱۱۶.

در حوزه روایت احادیث شیعه فعال بوده‌اند، نزد ابن غضائری ثقه بوده یا حداقل آن که ضعف شان در حدیث نزد او محرز نبوده که آنان را در زمره ضعفا یاد کند.

افزون بر این در صورتی که نام‌گذاری کتاب توسط خود او صورت گرفته باشد، «ال» در «الضعفاء» برای استغراق است؛ لذا او در صدد بیان همه ضعیفان و مذمومان شناخته شده در حوزه حدیث شیعه بوده است.^{۸۱} بنا بر این، راویان منتسب به فرقه‌های شیعی ذکر نشده در این کتاب - که در عرصه حدیث شیعه نام ایشان مطرح است - نزد ابن غضائری ضعیف نبوده‌اند، مگر آن که بگوئیم کتاب الضعفاء موجود ناقص است و این افراد در قسمتی که به ما نرسیده، تضعیف شده‌اند که اثبات این مدعا مشکل است.

بر این مبنا، چنین به نظر می‌رسد که راویان ثقه منتسب به فرقه شیعی - که وثاقت آنان توسط دیگر رجالیان شیعه به اثبات رسیده و در کتاب الضعفاء یاد نشده‌اند - نزد ابن غضائری ثقه بوده‌اند و او نیز همچون نجاشی و شیخ طوسی به وثاقت راویان غیر امامی قایل بوده که نام هایشان را در عداد ضعفا نیاورده است.

۸-۱. توثیق غیر صریح

أحمد بن محمد بن سعید، معروف به ابن عقده یکی از راویان زیدی مذهب است که ابن غضائری با آوردن تعبیر «لکن حدیثه یجیء فی حدیث أصحابنا» اعتماد شیعه امامیه به روایت و حدیث او را نمایان می‌سازد و وی را تعدیل می‌نماید؛^{۸۲} زیرا هیچ وصف دال بر ذم برای ابن عقده نیاورده است و دیگر این که سایر رجالیان صریحا او را توثیق کرده‌اند.^{۸۳}

۸-۲. اعتماد به طریق برخی راویان زیدی مذهب

ابن غضائری پنج راوی زیدی مذهب را در کتابش معرفی می‌کند. او به وثاقت هیچ یک از آنان به صراحت اذعان نکرده است؛ لکن اعتماد وی به طریق^{۸۴} خاصی از روایات یکی از زیاد بن منذر و عدم صراحت در جرح وی،^{۸۵} نوعی تعدیل را به ذهن متبادر می‌کند و نشان

۸۱. «جریان شناسی غلو»، ص ۱۴۷.

۸۲. الرجال لابن الغضائری، ص ۱۱۰-۱۱۱.

۸۳. «روش ابن غضائری در نقد رجال»، ص ۶۴.

۸۴. طریق، در اصطلاح دانش رجال عبارت است از: الوسائط المتصلة بين الراوی والمروی عنه ويعبر عنه بالسند؛ واسطه‌هایی که اتصال بین راوی و فرد مروی عنه را برقرار می‌کند و از آن به سند نیز تعبیر می‌شود («آشنایی با طریق شیخ طوسی و نقش کاربردی آن»، ص ۱۰).

۸۵. الرجال لابن الغضائری، ص ۶۱.

می دهد ضعف مذهبی راوی مؤلفه اصلی نزد ابن غضایری برای جرح راوی نیست.

۸-۳. عدم یادکرد فطحیان در کتاب الضعفا

ابن غضایری هیچ یک از راویان فطحی مذهب را در کتابش نام نمی برد. او راویان فطحی مذهب را ضعیف در حدیث نیافته، لذا از ذکر آنان در زمره ضعفا خودداری کرده است.

۹. نتیجه

خوانش تطبیقی عملکرد سه رجالی متقدم شیعه و بررسی وجوه اشتراک و افتراق عملکرد آنان، نشان می دهد که ابن غضایری، شیخ طوسی و نجاشی وابستگی به فرقه شیعه و اهل سنت را دلیلی برای تضعیف راوی به حساب نمی آورند؛ بلکه صداقت و ضبط راوی دو مؤلفه تأثیرگذار بر قضاوت آنان در باره راویان است. تعامل صاحب نظران رجالی متقدم شیعه، با راویان اهل سنت و راویان منتسب به فرقه های شیعه تقریباً همسان با امامیه بوده است؛ چنان که در فراز و فرود منحنی نمودار تعدیل، گاه هم تراز با مراتب بالای توثیق، راوی واقفی را موکداً توثیق می نمایند و گاه برخی راویان منتسب به فرقه های غیر امامی مذهب با مراتب پایین تضعیف هم رتبه می شوند.

در میان رجال شناسان متقدم، نجاشی بیش از همه عدم مدخلیت مذهب راویان را در جرح و تعدیل آنان، آشکار ساخته است. توثیق بالای پنجاه درصد راویان واقفی و فطحی مؤید سخن ما است. اوبی پروا به معرفی و توثیق شاگردان سنی امام باقر و امام صادق علیهما السلام پرداخته است؛ آنانی که در اصل مسأله ولایت با امامیه اختلاف نظر دارند. این در حالی است که شیخ طوسی احتمالاً بنا بر مصلحتی که در نظر داشته است، لفظ «ثقه» را در باره هیچ راوی عامی مذهبی به کار نبرده است. نجاشی به روایات وارد شده در مذمت راویان فرقه شیعی توجه نمی کند تا جایی که به صراحت از کنار آنها عبور کرده و نشان می دهد چنین روایاتی در قضاوت رجالی او تأثیرگذار نیست.

تعداد راویان فرقه شیعی و اهل سنت (غیر امامی مذهب) در رجال ابن غضایری بسیار کم است (ده نفر)، و با توجه به تضعیف تقریباً صد در صدی آنان، قضاوت در باره جایگاه مذهب راوی نزد وی با کمبود اطلاعات رو به رو می شود؛ لکن صراحت بیان وی در باره دو راوی ضعیف المذهب هدایت گرما در این موضوع است؛ آنجا که بیان می کند: «ضعف در مذهب او است نه حدیثش، او نزد من ثقه است». از سوی دیگر، با توجه به تعداد کم راویان فرقه شیعی علی الخصوص واقفه در کتاب ابن غضایری در مقابل تعداد زیاد آنان در دیگر

کتب مورد بحث، چنین دریافت می‌شود که وابستگی به فرقه‌های شیعه دلیل تضعیف راوی نزد ابن غضائری نیست؛ چرا که در این صورت باید تمامی آنان در کتاب او ذکر و تضعیف می‌شدند. عدم یادکرد راویان فطحی مذهب در کتاب رجالی او با موضوع ضعف با توجه به توثیق تقریباً صد در صدی آنان نزد دیگر رجالیان مورد نظر ما، اطمینان ما را به درستی برداشتمان بیشتر می‌سازد.

شیخ طوسی با توجه به موقعیت اجتماعی - سیاسی اش روش ویژه‌ای در رجال پیش گرفته است. او حداقل اطلاعات رجالی اش را منعکس می‌کند تا ضعف ضعیفا آشکار و به تنش‌های موجود در جامعه آن روز شیعه دامن زده نشود و در همین زمینه و برای برآفتاب قرار نگرفتن شیوه اش از توثیق موثقان نیز خودداری کرده است. لذا تبیین جایگاه راویان غیر امامی با تمرکز بر آثار رجالی شیخ طوسی دقت کافی ندارد؛ لکن دیدگاه وی در باره روایات راویان منتسب به فرقه شیعی و اهل سنت در کتاب *عدة الاصول*، به خوبی روشن می‌کند که ملاک اصلی نزد شیخ صداقت و تحرز راوی از کذب است نه مذهب او. او هیچ یک از راویان زیدی، فطحی و واقفی را تضعیف نکرده است.

کتابنامه

- *الاستبصار فیما اختلف من الاخبار*، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۹۰ ق.
- *تاریخ بغداد*، احمد بن علی خطیب بغدادی، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۷ م.
- *تهذیب الاحکام*، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- *تهذیب الاصول*، عبدالاعلی سبزواری، قم: موسسه المنار، بی تا.
- *خلاصة الاقوال*، حسن بن یوسف حلی، تصحیح: جواد قیومی، قم: نشر الفقاهه، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
- *دانش رجال*، ابوطالب علی نژاد، قم: انتشارات نشر، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.
- *رجال النجاشی*، احمد بن علی نجاشی، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ ق.
- *الرجال لابن الغضائری*، احمد بن حسین ابن غضائری، تحقیق سید محمد رضا حسینی

- جلالی، قم: دار الحدیث، ۱۳۶۴ ش.
- الرجال، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۳ ش.
- الرعایه فی علم الدرایه، شهید ثانی زین الدین بن علی، تحقیق: عبدالحسین محمد علی بقال، قم: انتشارات آیة الله العظمی المرعشی النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
- سما المقال، ابوالهدی کلباسی، تحقیق: سید محمد حسینی قزوینی، قم: موسسه ولی العصر علیه السلام للدراسات الإسلامیه، ۱۴۱۹ ق.
- عدة الاصول، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: محمد رضا انصاری قمی، قم: ستاره، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق / ۱۳۷۶ ش.
- قاموس الرجال، محمد تقی شوشتری، قم: انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
- العین، خلیل بن احمد، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- لسان العرب، ابن منظور محمد بن مکرم، تصحیح: جمال الدین میردامادی، بیروت: دار الفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
- المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، أحمد بن محمد فیومی، قم: موسسه دار الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
- معجم رجال الحدیث، ابوالقاسم خویی، قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ ق / ۱۳۶۹ ش.
- معجم مقاییس اللغه، احمد بن فارس، تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- مفردات الفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، بیروت: دار القلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
- مقباس الهدایه فی علم الدرایه، عبدالله مامقانی، تحقیق: محمدرضا مامقانی، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
- مکتب در فرآیند تکامل، سید حسین مدرسی طباطبایی، ترجمه: هاشم ایزدپناه، تهران: انتشارات کویر، چاپ هفتم، ۱۳۸۸ ش.
- وصول الاخیار الی اصول الاخبار، حسین بن عبدالصمد عاملی، تحقیق: سید عبداللطیف کوه کمری، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۴۰۱ ق.

- «آشنایی با طریق شیخ طوسی و نقش کاربردی آن»، ابوطالب علی نژاد، حدیث حوزه، ۱۳۹۰ش، شماره ۲.
- «بررسی و ارزیابی روش شیخ طوسی در نقد رجال و آثار»، رحیمه شمشیری، مهدی جلالی، مطالعات اسلامی، ۱۳۸۷ش، شماره ۸۰.
- «جریان شناسی غلو»، نعمت الله صفیری فروشانی، علوم حدیث، ۱۳۷۵ش، شماره ۱.
- «حدیث موثق و اعتبار آن نزد دانشمندان امامی»، حمید باقری و محمد کاظم رحمان ستایش، حدیث پژوهی، ۱۳۹۰ش، شماره ششم.
- «روایات علی بن ابی حمزه بطائنی بین رد و قبول» مصطفی سلیمی زارع، علوم قرآن و حدیث، ۱۳۸۷ش، شماره ۸۱.
- «روش ابن غضناری در نقد رجال»، مهدی جلالی، مطالعات اسلامی، ۱۳۸۳ش، شماره ۶۵ و ۶۶.
- «مقایسه دیدگاه‌های رجالی نجاشی و شیخ طوسی»، مجید معارف، مقالات و بررسیها، ۱۳۷۶ش، شماره ۶۲.
- «ملاک‌های قدما در ارزیابی و نقد حدیث در آئینه فهرست‌های رجالی»، روح الله شهیدی، حدیث اندیشه، ۱۳۸۶ش، شماره ۳.